

پرسش سازمان همجنس گرایان ایرانی از اکبر گنجی

جناب آقای اکبر گنجی،

ما، سازمان همجنس گرایان ایرانی، از فراخوان شما جهت آزادی زندانیان سیاسی حمایت می کنیم. ما از هر حرکت انسان دوستانه و آزادیخواهانه، که تأثیر مثبتی بر وضعیت زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران داشته باشد حمایت خواهیم کرد.

ما همجنس گرایان ایرانی دیگر دانسته ایم که با نشستن در کنج عزلت و گوشه ی تنهایی راه به جایی نمی بریم و نمی توانیم حقوق حقه ی پایمال شده مان را به دست آوریم. چهار نشریه ی ویژه ی همجنس گرایان، یک رادیو، یک سازمان، و ده ها گروه، و صفحه های اینترنتی خبر از جنبشی می دهد که برای رسیدن به برابری و تساوی حقوقی برای همجنس گرایان و دیگر اقلیت های جنسی در تلاش است. ما نام این جنبش را جنبش همجنس گرایان ایرانی گذاشته ایم. در تلاش ما، برای به دست گرفتن سرنوشت و احیاء حقوقمان، بالا رفتن آگاهی اجتماعی و فرهنگی مردم ایران اهمیت حیاتی دارد.

بنا بر تحقیقات علمی در حدود ۴ تا ۷ درصد از افراد جامعه بشری، همجنس گرایان و دوجنس گرایان می باشند. بنا بر این آمار، می توان از آماری در حدود ۴ تا ۵ میلیون نفر همجنس گرا و دوجنس گرای ایرانی نام برد؛ ۵ میلیون انسان که در شرایط بسیار اسف بار به سر می برند.

همجنس گرایی (و نه همجنس بازی، زیرا این کلمه بار تحقیر آمیز دارد) در سال ۱۹۷۴ توسط انجمن روانپزشکان آمریکا از فهرست بیماری های روانی کتاب مرجع DSM حذف گردید و پس از آزمایشات علمی ثابت شد که گرایی جنسی است کاملاً طبیعی که در برخی افراد بشر وجود دارد. تا پیش از آن جنبش های همجنس گرایان در اروپا و آمریکا برای مدت یک سده، تلاش در اثبات حقانیت همجنس گرایان داشتند، و پس از این تاریخ دولت های پیشرفته ی غربی، و نیز سازمان های حقوق بشری دفاع از حقوق پایمال شده ی همجنس گرایان را در رأس فعالیت های خویش قرار دادند. همجنس گرایی در سال ۱۹۹۲ توسط سازمان بهداشت جهانی نیز از فهرست اختلالات روانی کتاب مرجع ICD حذف گردید. شایان ذکر است که این کتاب، به همراه DSM، از مهم ترین منابع علمی در تشخیص بیماری ها و عارضه های روانی می باشد.

گرایی همجنس گرایی، به همان شکل گنگ و ناخودآگاهانه و غیره ارادی، در درون اشخاص شکل می گیرد که گرایی دگرجنس گرایی در اشخاص دیگر.

هم اکنون بزرگترین سازمان های مدافع حقوق بشر، همچون سازمان دیده بان حقوق بشر، یا سازمان عفو بین الملل، بخشی دارند بنام LGBT، که یکی از مهم ترین اهداف این بخش دفاع از حقوق اقلیت های همجنس گرا و دو جنس گرا می باشد. در تمامی کشورهای پیشرفته ی غربی مراکز مشاوره و حقوقی بسیاری برای ارائه ی مشاوره به همجنس گرایان، و یا دفاع از آنان در مقابل تبعیضات اجتماعی به وجود آمده است.

۵ میلیون همجنس گرا و دوجنس گرایی که در ایران زندگی می کنند هر روز با تحقیر هویت خویش روبرو هستند. اگر ارتباط عاشقانه ای برقرار کنند، به موجب قانون مجازات اسلامی، محکوم به مرگ می شوند. نگاه و بینش سنتی مردسالار و هموفوبیک که در همه ی اقشار و طبقات اجتماع ایران نفوذ کرده حق حیات را از این دگرباشان سلب کرده است.

چندی پیش موسسه ای پژوهشی- علمی در اتریش اعلام کرد: «۱۷ درصد از زنان و ۱۲ درصد از مردان همجنس گرا لافل یکبار اقدام به خودکشی کرده اند. از هر سه تلاش برای خودکشی در کشور اتریش یکی توسط فردی همجنسگرا صورت می گیرد.» با توجه به این آمار تکان دهنده در یک کشور پیشرفته ی اروپایی می توان حدس زد که فاجعه در کشور ما ایران تا چه اندازه شدید است. در اتریش، قانون نه تنها بر علیه همجنس گرایان نیست، بلکه از آنان دفاع نیز می کند، و تبعیض علیه همجنس گرایان را مستوجب مجازات دانسته است.

آنان که معتقدند دفاع از حقوق همجنس گرایان و دوجنس گرایان در این برهه از زمان اولویت جامعه ی ما نیست، مستقیم و یا نا مستقیم، خواسته و یا نا خواسته، حق حیات ۵ میلیون اقلیت جنسی ایرانی را نادیده انگاشته اند.

ما معتقدیم که مشکل ما اقلیت های جنسی در ایران جدا از مشکل دیگر اقلیت ها نیست. آن نظام و اندیشه ای که نمی تواند دگر اندیش روشنفکر و اپوزیسیون منتقد را تاب آورد، همان نظام، حکم اعدام اقلیت های جنسی را صادر می کند. آن تفکری که یک اقلیت مذهبی را از حق تحصیل و اشتغال به کار دولتی محروم کرده است، همان تفکر، همجنس گرا را فاسد و بیمار می نامد. آن بینش و اندیشه ای که سال هاست مطالبات به حق اقلیت های قومی را نادیده می گیرد، در جایی دیگر حق برقراری ارتباط عاشقانه میان دو همجنس را ممنوع و حرام اعلام کرده است. این نظام برای همجنس گرایان مرد، اعدام، و برای همجنس گرایان زن، یکصد ضربه شلاق تعیین کرده است.

آنچه ما، سازمان همجنس گرایان ایرانی، می باید بیاموزیم و آموزش دهیم، این است که همجنس گرایی، به معنایی، شیوه ای است از زندگی و نباید آنرا به ارتباط جنسی میان دو همجنس تقلیل داد. همجنس گرایی یکی از شیوه های ممکن در ارتباط عاشقانه و جنسی افراد بشر است و در کنار شیوه ی دگر جنس گرایان، می باید، نه تنها تحمل شود، بلکه باید به رسمیت شناخته شود.

اکنون در دیار غرب، همان جهانی که ما می باید با برخوردی منطقی و عقلانی، همه ی خوبی ها و بدی هایش را ببینیم، و شیوه های حقوق بشری را از آن بیاموزیم، دفاع از حقوق اقلیت های جنسی، از مهم ترین برنامه ها و اولویت های سازمان ها و نهادهای اجتماعی و دولتی است. هر کس که می خواهد در جهان غرب فعالیت سیاسی نماید، هر کس که تز و طرحی برای اصلاحات سیاسی، و یا اجتماعی و فرهنگی در دست دارد، صریح و علنی موضع خود را در قبال همجنس گرایان و دیگر اقلیت های جنسی مشخص کرده، و اعلام می کند.

ما، سازمان همجنس گرایان ایرانی، خواستار آنیم که شما صریح و واضح، به دور از هر لفافه گویی و کلی نگری، موضع خود را در قبال همجنس گرایان بیان کنید.

پرسش اصلی ما این نیست که شما موافق اعدام همجنس گرایان هستید و یا مخالف آن؛ پرسش ما اینست که مشخصا نظر و موضع شما در مورد همجنس گرایی، به عنوان یک گرایش جنسی عاشقانه ی درصد قابل توجهی از افراد بشر، چیست؟ آیا بجز شیوه ی دگرجنس گرایی، شیوه ی دیگری از ارتباط عاشقانه و جنسی، همچون شیوه و هستن همجنس گرایانه را به رسمیت می شناسید؟ جناب آقای اکبر گنجی، پاسخ شما به این دو پرسش، نه پاسخ به سازمان ما، بل پاسخ به ۵ میلیون همجنس گرا و دوجنس گرای ایرانی است.

این پرسشی است که هر فعال سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، کوشنده ی راه آرمان های دموکراسی، چاره ای جز دادن پاسخ صریح و روشن به آن ندارد.

در پایان، ما تلاش های بشردوستانه ی شما در دفاع از حقوق بشر را عمیقا تقدیر می کنیم. شما با عملکرد خود در چند سال اخیر، نشان دادید که «هزینه پرداخت کردن» برای مبارزه در راه برابری و آزادی چه معنایی می تواند داشته باشد. مبارزه شما، در بند و در آزادی، به "هزینه" ای که "فرد" در هماهنگی با "افراد" و اعضای جامعه ی جهانی می پردازد، به روشنی اشاره می کند.

با احترام و امتنان
سازمان همجنس گرایان ایرانی
www.pglo.net
pglo@pglo.net